

اصول و مبانی اقتصاد اسلامی

حسن آقا نظری

بهار ۱۳۹۹

نظری، حسن آقا، ۱۳۲۸-
اصول و مبانی اقتصاد اسلامی / حسن آقا نظری - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی
دانشگاهها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۹.
چهارده، ۲۱۰ص. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۵۳۰: اقتصاد: ۴۰) (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی
دانشگاهها (سمت): ۲۳۳۶: اقتصاد (اقتصاد اسلامی): ۲)
ISBN : 978-600-298-304-6
بها: ۲۷۰۰۰ ریال
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه. ص. [۲۰۳] - ۲۰۶: همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. اسلام و اقتصاد. ۲. Islam -- Economic aspects. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. سازمان مطالعه و تدوین
کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی. ج. The Center for Studying and Compling
University Books in Humanities (SAMT). Institute for Research and Development in the Humanities. د. عنوان.
BP۲۳۰/۲
۲۹۷/۴۸۳۳
شماره کتابشناسی ملی
۶۱۴۹۹۰۲



اصول و مبانی اقتصاد اسلامی

مؤلف: حسن آقا نظری (hnazari@rihu.ac.ir)

ناشران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)،

پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

صفحه آرایبی و طرح جلد: تحریر اندیشه

چاپ اول: بهار ۱۳۹۹

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۲۷۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات

۳۷۱۸۵-۳۱۵۱-ص. پ. ۳۲۸۰۳۰۹۰، نمابر: ۳۲۱۱۱۳۰۰)

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۶۰۰۲۶۴۰

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش، نمایشگاه و فروشگاه: تهران، روبروی دانشگاه تهران، حد فاصل خیابانهای فخر رازی و دانشگاه، مجتمع تجاری-اداری پارسا،

واحدهای ۲۰۱ و ۷ و ۸، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

۶۶۴۰۵۶۷۸ (فروشگاه)، نمابر: ۶۶۴۰۵۶۷۸

info@samt.ac.ir

www.samt.ac.ir



باید زحمت بکشیم تا در همهٔ جناح‌ها خودکفا باشیم. امکان ندارد که استقلال
به دست بیاید قبل از اینکه استقلال اقتصادی داشته باشیم.

صحیفهٔ امام، ج ۱۰، ص ۴۳۳

پیام پژوهش

نیاز گسترده دانشگاه‌ها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخ‌گویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفی و کمی منابع درسی، از دوباره‌کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، هفتادوششمین اثر مشترک خود را با انتشار کتاب «اصول و مبانی اقتصاد اسلامی» به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند. کتاب حاضر به عنوان متن درس «اصول و مبانی اقتصاد اسلامی» به ارزش ۲ واحد، برای دانشجویان رشته‌های علوم اقتصادی گرایش اقتصاد اسلامی در مقطع کارشناسی تدوین شده است. امید است که افزون بر جامعه دانشگاهی سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، ما را در جهت ارتقای کیفی کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

سازمان سمت

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

فهرست مطالب

- مقدمه: چیستی اقتصاد اسلامی ۱
راهنمای مطالعه ۲

بخش اول: کلیات و مفاهیم

فصل اول: مفهوم علم اقتصاد

۱. پیشرفت علم اقتصاد به صورت تراکمی، جایگزینی و دوری ۵
مقدمه ۵
۱. پیشرفت تراکمی ۶
۲. پیشرفت جایگزینی ۷
۳. پیشرفت دوری ۷
۲. سیر تحول تعریف علم اقتصاد ۸
۳. قلمرو علم اقتصاد از جهت اثباتی و هنجاری (تحلیل اقتصاد اثباتی و هنجاری) ۱۱
۱. دیدگاه اثباتی ۱۲
۲. دیدگاه ترکیبی ۱۳
• خلاصه فصل ۱۶
• پرسش های فصل ۱۶
• منابعی برای مطالعه بیشتر ۱۶

فصل دوم: مفهوم مکتب اقتصادی

۱. تعریف مکتب اقتصاد اسلامی ۱۷

- ۲. رابطه مکتب اقتصادی با قوانین مالی (احکام مالی)..... ۱۹
- ۳. فرق بین ایجاد مکتب اقتصادی و کشف آن..... ۲۰
- خلاصه فصل ۲۳
- پرسش‌های فصل ۲۳
- منابعی برای مطالعه بیشتر ۲۳

فصل سوم: مفهوم نظام اقتصاد اسلامی

- ۱. تعریف نظام اقتصادی و مقومات آن..... ۲۵
- الف) اصطلاح نظام..... ۲۵
- عناصر..... ۲۶
- ب) اقتصاد..... ۲۸
- ۲. روش‌های بررسی نظام‌های اقتصادی..... ۳۱
- ۱. روش بررسی تاریخی..... ۳۲
- ۲. روش بررسی تحلیلی..... ۳۲
- ۳. روش بررسی عملکردی..... ۳۳
- ۳. تعریف نظام اقتصادی اسلام..... ۳۳
- اصل سوم..... ۳۵
- اصل بیست‌وهشتم..... ۳۵
- اصل بیست‌ونهم..... ۳۵
- اصل سی‌ام..... ۳۵
- اصل سی‌ویکم..... ۳۶
- اصل چهلم..... ۳۶
- اصل چهل‌وسوم..... ۳۶
- اصل چهل‌وچهارم..... ۳۷
- اصل چهل‌وپنجم..... ۳۸
- اصل چهل‌وششم..... ۳۸
- اصل چهل‌وهفتم..... ۳۸
- اصل چهل‌وهشتم..... ۳۸
- اصل چهل‌ونهم..... ۳۸
- اصل پنجاهم..... ۳۹
- اصل پنجاه‌ویکم..... ۳۹

- خلاصه فصل ۴۱
- پرسش‌های فصل ۴۲
- منابعی برای مطالعه بیشتر ۴۳

فصل چهارم: فرق بین سه مفهوم علم، مکتب و نظام اقتصاد اسلامی

۱. فرق بین علم اقتصاد اسلامی و مکتب اقتصاد اسلامی ۴۵
۱. روش‌شناسی علم اقتصاد اسلامی با رویکرد ساختار نهادی (تبیین واقعیت اقتصادی) ۴۶
۲. شکل‌گیری واقعیت اقتصاد براساس ساختار نهادی ۴۸
۳. تأثیرگذاری متغیر بهره و سود در شکل‌گیری رویدادهای عینی اقتصاد ۴۹
۴. تدوین فرضیه ۵۱
۵. استناد فرضیه به اسلام ۵۳
۶. تأثیرپذیری نظریه علمی ۵۴
۷. نمونه‌های پردازش نظریه علمی اقتصاد اسلامی ۵۵
- گزاره‌های مربوط به سرمایه‌گذاری ۵۵
- گزاره‌های مربوط به مصرف ۵۶
- گزاره‌های مربوط به مالیات ۵۶
۸. تعریف علم اقتصاد اسلامی و تفاوت آن با مکتب اقتصاد اسلامی ۵۷
۲. تفاوت بین نظام اقتصاد اسلامی و مکتب اقتصادی آن ۵۹
۳. تفاوت بین علم اقتصاد اسلامی و نظام اقتصادی آن ۶۰
۱. تعیین نوع کالاها و خدمات و مقدار آنها در برنامه تولید ۶۱
۲. چگونگی تولید ۶۱
۳. چگونگی توزیع کالاها و خدمات تولید شده ۶۱
- خلاصه فصل ۶۳
- پرسش‌های فصل ۶۴
- منابعی برای مطالعه بیشتر ۶۴

فصل پنجم: تعریف احکام شریعت و اقسام آنها (اقسام ثابت و متغیر)

۱. احکام ثابت ۶۵
۲. تعریف احکام متغیر ۶۶

۶۷ منشأ پیدایش احکام حکومتی
۷۰ خلاصه فصل
۷۰ پرسش‌های فصل
۷۰ منابعی برای مطالعه بیشتر

فصل ششم: روش استنباط اصول مکتبی - حقوقی - اقتصاد اسلامی از احکام فقهی

۷۱ مقدمه
۷۲ ۱. روش اجتهاد احکام شریعت
۷۲ ۲. ضرورت اجتهاد
۷۶ خلاصه فصل
۷۶ پرسش‌های فصل
۷۶ منابعی برای مطالعه بیشتر

بخش دوم: مبانی حقوقی اقتصاد اسلامی (اصول اقتصاد اسلامی)

فصل اول: اصل مالکیت مختلط

۷۹ مقدمه
۸۰ ۱. تعریف مالکیت مختلط از نظر حقوق اقتصاد اسلامی (مالکیت چندگانه و فلسفه اقتصادی آن)
۸۲ ۲. اقسام مالکیت
۸۲ ۱. مالکیت امام (دولت اسلامی)
۸۲ ویژگی‌های مالکیت دولت اسلامی
۸۴ ۲. مالکیت عمومی
۸۵ ۳. مالکیت خصوصی
۸۸ خلاصه فصل
۸۸ پرسش‌های فصل
۸۹ منابعی برای مطالعه بیشتر

فصل دوم: مبانی حقوقی توزیع درآمد

۹۱ مقدمه
۹۱ الف) حق عموم در منابع طبیعی پیش از تولید
۹۳ ۱. درآمد براساس کار مفید اقتصادی در مرحله تولید ابتدایی (تولید از منابع طبیعی و عمومی)

- ۹۴ ۲. درآمد براساس کار مفید اقتصادی در مرحله تولید ثانوی
- ۹۵ ۳. درآمد براساس مالکیت عوامل مادی تولید (زمین، سرمایه نقدی، ابزار تولید)
- ۹۵ الف) مالکیت زمین و ابزار تولید
- ۹۶ ب) مالکیت سرمایه نقدی
- ۹۷ ج) مالکیت فکری
- ۱۰۰ د) حق فقرا در اموال اغنیا
- ۱۰۱ ه) حق افراد در اموال بستگان (ارث)
- ۱۰۴ • خلاصه فصل
- ۱۰۵ • پرسش‌های فصل
- ۱۰۵ • منابعی برای مطالعه بیشتر

فصل سوم: اصل آزادی محدود اقتصادی (اصل هدایت، نظارت، سیاست‌گذاری در حوزه اقتصاد)

- ۱۰۷ مقدمه
- ۱۰۸ ۱. آزادی حقوقی
- ۱۰۹ ۲. تعریف آزادی اقتصادی
- ۱۰۹ ۳. آزادی واقعی و شکلی
- ۱۱۱ ۴. چارچوب کلی آزادی اقتصاد در اقتصاد اسلامی (هدایت، نظارت، سیاست‌گذاری)
- ۱۱۲ الف) آزادی تملک
- ۱۱۴ ب) آزادی انتخاب شغل
- ۱۱۷ ج) آزادی مبادله
- ۱۱۷ د) آزادی نرخ‌گذاری
- ۱۱۸ ه) آزادی مصرف
- ۱۱۹ • خلاصه فصل
- ۱۲۰ • پرسش‌های فصل
- ۱۲۰ • منابعی برای مطالعه بیشتر

فصل چهارم: اصل جریان پول و سرمایه نقدی براساس نرخ سود

- ۱۲۱ ۱. تعریف اقتصاد پولی
- ۱۲۱ مقدمه

۱۲۲ آثار اقتصادی پول
۱۲۲ الف) ایجاد نقدینگی
۱۲۳ ب) تسریع در جریان مبادلات
۱۲۳ ج) رشد تولید و شکوفایی اقتصاد جامعه
۱۲۴ د) تورم
۱۲۴ ه) سلطه ناشر پول
۱۲۶ و) توزیع مجدد درآمدها
۱۲۷ ۲. تعریف نرخ بهره
۱۲۷ الف) ربای معاملی
۱۲۷ ب) ربای قرضی
۱۳۱ ۳. تعریف نرخ سود
۱۳۲ ۴. تمایز نرخ بهره و سود از جهت آثار اقتصادی
۱۳۴ • خلاصه فصل
۱۳۵ • پرسش‌های فصل
۱۳۵ • منابعی برای مطالعه بیشتر

فصل پنجم: عدالت و توازن اقتصادی

۱۳۷ مقدمه: ویژگی‌های عدالت اقتصادی از نظر آموزه‌های اسلامی
۱۳۸ ۱. واقعیت‌گرایی
۱۳۸ ۲. اخلاق‌گرایی
۱۳۹ ۱. حقوق متقابل مبنای حقوقی عدالت اقتصادی
۱۴۲ ۲. چیستی عدالت اقتصادی
۱۴۴ الف) کفالت عمومی
۱۴۵ ب) کفالت دولت
۱۴۷ ۳. سیاست‌های راهبردی عدالت اقتصادی
۱۴۸ الف) سیاست رویکرد به سازوکار بازار
۱۴۹ ب) سیاست‌های پولی - بانکی مناسب
۱۵۰ ج) زیرساخت‌های سیاست‌های راهبردی مناسب
۱۵۱ د) سیاست‌های افزایش کارایی سازوکار بازار رقابتی
۱۵۱ ه) سیاست‌های توسعه اقتصادی
۱۵۲ • خلاصه فصل

- پرسش‌های فصل ۱۵۳
- منابعی برای مطالعه بیشتر ۱۵۳

بخش سوم: مبانی علمی اقتصاد اسلامی

فصل اول: تبعیت بخش اعتباری اقتصاد از بخش واقعی آن

- ۱. تعریف بخش اعتباری ۱۵۷
- ۲. تعریف بخش واقعی ۱۵۹
- ۳. منشأ پیدایش بخش اعتباری ۱۶۰
- ۴. استقلال نسبی بخش اعتباری ۱۶۱
- ۵. تبعیت بخش اعتباری از بخش واقعی ۱۶۳
- خلاصه فصل ۱۶۸
- پرسش‌های فصل ۱۶۸
- منابعی برای مطالعه بیشتر ۱۶۸

فصل دوم: سازوکار بازار از نظر آموزه‌های اسلامی (چگونگی شکل‌گیری بازار)

- مقدمه ۱۷۲
- ۱. تمایز چپستی سازوکار بازار از نظر آموزه‌های اسلامی و اقتصاد متعارف ۱۷۴
- خلاصه بحث ۱۷۸
- ۲. تحلیل رفتارهای اقتصادی افراد براساس سازوکار بازار اسلامی ۱۷۹
- خلاصه بحث ۱۸۲
- خلاصه فصل ۱۸۳
- پرسش‌های فصل ۱۸۴
- منابعی برای مطالعه بیشتر ۱۸۵

فصل سوم: تخصیص بهینه منابع

- ۱. اصول کلی تخصیص بهینه منابع در مصرف ۱۸۷
- مقدمه: نهاد مصرف ۱۸۷
- الف) تمایلات و مطلوبیت ۱۸۸

۱۸۸ درآمد..... (ب)
۱۸۸ ۱. تأثیرپذیری حوزه مطلوبیت از شناخت آن.....
۱۹۲ ۲. تأثیرپذیری نظریه مصرف از جهت توانمندی.....
۱۹۳ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
۱۹۴ خلاصه بحث.....
۱۹۵ ۲. اصول کلی تخصیص بهینه منابع در تولید.....
۱۹۸ ۳. اصول کلی تخصیص بهینه منابع در هزینه‌های دولتی.....
۲۰۰ • خلاصه فصل.....
۲۰۱ • پرسش‌های فصل.....
۲۰۲ • منابعی برای مطالعه بیشتر.....
۲۰۳ منابع.....

نمایه‌ها

۲۰۷ نمایه آیات.....
۲۰۸ نمایه روایات.....
۲۰۹ نمایه اصطلاحات.....
۲۱۰ نمایه اشخاص.....

مقدمه: چیستی اقتصاد اسلامی

اقتصاد اسلامی همانند عنوان دانش اقتصاد متعارف، مشتمل بر سه بخش مکتب اقتصادی، نظام اقتصادی و علم اقتصاد است. این سه بخش مانند حلقه‌های زنجیر به هم پیوسته است. از این رو آنگاه می‌توان هویت و چیستی اقتصاد اسلامی را به‌طور جامع تصویر کرد که هر سه بخش یادشده مورد پژوهش قرار گیرد.

بی‌گمان تاکنون تحقیقات به نسبت زیادی در حوزه اقتصاد اسلامی انجام شده است؛ ولی بسیاری از این پژوهش‌ها به بُعد فقهی - حقوقی (فقه‌الاقصاد) این حوزه و در سطح محدودتری به ویژگی مکتبی بودن و نظام‌مند بودن آن توجه کرده‌اند. به دیگر سخن، درباره مبانی علمی اقتصاد اسلامی کمتر پژوهش شده است و در نتیجه پیشینه نظریات علمی این اقتصاد در مقایسه با پیشینه مباحث حقوقی آن، کمتر است.

برهمن اساس، این نوشتار چیستی اقتصاد اسلامی را به‌صورت جامع دو بعد حقوقی و علمی آن لحاظ نموده و مبانی و اصول مکتبی بودن و نظام‌مند بودن و مبانی علمی آن را در سه بخش زیر تحقیق کرده است.

بخش نخست، کلیات و مفاهیم مربوطه، بخش دوم مبانی حقوقی اقتصاد اسلامی (اصول اقتصاد اسلامی) و بخش سوم، مبانی علمی اقتصاد اسلامی است. امید است این مکتوب گستره اقتصاد اسلامی را به‌صورت کلی ارائه و زمینه گام‌های بعدی پژوهش در این حوزه را فراهم کند.

این کتاب در تداوم بحث‌های اقتصاد اسلامی است که دانشجوی در طول دوره کارشناسی با آن آشنا شده است. بنابراین، دانشجوی پیش از خواندن این کتاب باید از تسلط ابتدایی بر آموزه‌های اقتصاد اسلامی اطمینان داشته باشد. درعین حال سعی شده است مطالب به‌گونه‌ای ارائه شود که مباحث و تحلیل‌های موجود با خواندن این کتاب برای دانشجوی کافی و قابل فهم

باشد. در ضمن، در تدوین کتاب تسلسل و پیوستگی مباحث رعایت شده است؛ از این رو در آموزش نیز همین ترتیب باید رعایت شود. در پایان از استاد حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای غلامرضا مصباحی مقدم که ارزیابی اثر را برعهده داشتند سپاسگزاری می‌نمایم.

راهنمای مطالعه

کتاب «اصول و مبانی اقتصاد اسلامی» مربوط به رشته اقتصاد است. کتاب با هدف فراگیری دانشجویان اقتصاد و زمینه‌سازی تحقیق و پژوهش در اقتصاد اسلامی تدوین شده است. این نوشتار در دو یا سه واحد درسی ارائه و توسط استاد تدریس می‌شود.

فرایند یادگیری جریانی است که با حضور در کلاس و ارائه استاد آغاز نمی‌شود؛ بلکه خود دانشجو با مراجعه به دیگر منابع آموزشی حرکت فراگیری را شروع می‌کند. با توجه به اینکه ساعات حضور در کلاس محدود است، باید دانشجو پیش از حضور در کلاس، فصل مربوطه را مطالعه و موارد مبهم را یادداشت کند و با طرح آنها در کلاس اشکالات خود را برطرف نماید.

کتاب پیش‌رو از سه بخش تشکیل شده است. یادگیری کامل کتاب نیازمند آن است که دانشجو از قبل برنامه زمان‌بندی شده برای مطالعه این کتاب داشته باشد.

دانشجویان پیش از مطالعه کتاب باید چند نکته مهم را مدنظر داشته باشند:

۱. هدف‌های کلی و رفتاری هر فصل به‌منظور جلب توجه مخاطب به نکات محوری فصل ارائه شده است. بنابراین، در آغاز به هدف‌های آموزشی کتاب توجه شود تا نسبت به موضوع فصل آگاهی پیدا شود؛

۲. برای مطالعه اثربخش کتاب نخست مطالب هر فصل را یک بار سریع مطالعه کنید و بار دوم با دقت و زمانی طولانی‌تر آن را مطالعه کنید. با توجه به هدف‌های کلی نکات اساسی درس را یادداشت و برای رفع اشکال در کلاس طرح کنید؛

۳. در پایان هر فصل منابعی برای مطالعه بیشتر ارائه شده که موضوع فصل موردنظر در آنها نیز بحث و بررسی شده است. علاقه‌مندان به پژوهش می‌توانند به این منابع مراجعه کنند؛

۴. در پایان هر فصل تعدادی سؤال برای خودآزمایی ارائه شده است. تلاش برای پاسخ به این سؤال‌ها در یادگیری مطالب و تحقق اهداف کلی و رفتاری مؤثر است؛

۵. استادان گرامی و نیز دانشجویان محترم انتقادات یا پیشنهادهای خود را نسبت به محتوای کتاب و یا چینی مطالب آن با نگارنده در میان گذارند تا در چاپ‌های بعدی استفاده شود.

بخش اول

کلیات و مفاهیم

فصل اول

مفهوم علم اقتصاد

هدف کلی

معرفی و تبیین مفهوم کلیدی و اساسی علم اقتصاد

اهداف رفتاری

انتظار می‌رود دانشجو پس از مطالعه این فصل بتواند توضیحی برای مباحث زیر داشته باشد:

- انواع پیشرفت دانش اقتصاد؛
- علت تحول تعریف علم اقتصاد طی زمان؛
- تفاوت اقتصاد اثباتی و اقتصاد دستوری؛
- آیا می‌توان بین دو قلمرو اثباتی و هنجاری ارتباط منطقی برقرار کرد.

۱. پیشرفت علم اقتصاد به صورت تراکمی، جایگزینی و دوری

مقدمه

بی‌گمان، تاریخ اندیشه و تفکر اقتصادی ریشه در وجود انسان در روی زمین دارد؛ زیرا تاریخ این اندیشه را نمی‌توان از تاریخ رویدادهای اقتصادی جدا کرد. این رویدادها هم‌زمان با حیات اجتماعی انسان بر روی زمین اتفاق افتاده‌اند؛ زیرا تلاش انسان در بستر طبیعت همواره برای تداوم حیات و تأمین نیازمندی‌های خود، مانند خوراک، پوشاک، مسکن و... بوده است. چگونگی تأمین این نوع کالاها و مصرف آنها بخشی از مسائلی است که در دانش اقتصاد مطرح می‌شود؛ البته در دوره‌های گذشته پدیده‌های اقتصادی همانند دیگر پدیده‌های اجتماعی بسیار

محدود بوده و براساس تحولات اجتماعی به تدریج افزایش پیدا کرده‌اند. با اینکه این نوع اندیشه‌های اقتصادی هم‌زمان با تاریخ حیات اجتماعی انسان شکل گرفته‌اند، ولی دانش اقتصاد متعارف به صورت فعلی آن در اواخر قرن هجدهم مطرح و در قالب کتاب «تحقیق درباره ماهیت و علل ثروت ملل»^۱ در سال ۱۷۷۶ تدوین و ارائه شده است.^۲

دانش اقتصادی همانند دیگر رشته‌های علمی در طول تاریخ ماهیت تکاملی داشته و اندیشمندان زیادی در این فرایند پیشرفت سهمیم بوده‌اند.

ارنست هلم اشتدر^۳ برای تکامل این رشته علمی سه نوع پیشرفت را بیان کرده است:

۱. پیشرفت تراکمی؛ ۲. پیشرفت جایگزینی؛ ۳. پیشرفت دوری.

۱. پیشرفت تراکمی

پیشرفت تراکمی بدین معناست که در طول تاریخ یک علم، معرفت‌های جدیدی به وجود آمده و شناخت‌های قبلی را کامل‌تر کرده است. پیدایش اقتصاد خرد، کلان، پول و بانکداری، اقتصاد کشاورزی، تاریخ اندیشه‌های اقتصادی، اقتصاد بخش عمومی، مالیه عمومی، اقتصاد ریاضی و اقتصادسنجی در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ و همچنین شکل‌گیری اقتصاد منابع، اقتصاد توسعه، اقتصاد رفاه، اقتصاد بین‌الملل، اقتصاد صنعتی، اقتصاد مدیریت، اقتصاد بازرگانی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی نمونه‌های عینی پیشرفت تراکمی است. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ نیز رشته‌های ترکیبی همانند اقتصاد انرژی، اقتصاد آموزش، اقتصاد کار، اقتصاد اطلاعات، اقتصاد بهداشت، اقتصاد هنر و در قرن ۲۱ شاخه‌های دیگری از این دانش در قالب اقتصاد رسانه، اقتصاد جرایم، اقتصاد الکترونیک، اقتصاد پژوهش مطرح شده‌اند. براین اساس، سیر تراکمی گرایش‌ها و رشته‌های این دانش طی قرن ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ بیان‌کننده پویایی این حوزه از دانش بشری است.

1. Inquiry into the Nature and Causes of the wealth of Nations.

۲. لازوژی، عقاید اقتصادی، ص ۲.

3. Ernest Helm Staedter

۲. پیشرفت جایگزینی

پیشرفت جایگزینی یعنی اینکه در مسیر حرکت علمی ممکن است شناخت‌های جدید جایگزین معرفت‌های قبلی شوند؛ از این رو تعدادی از اندیشه‌های علمی یک علم کاسته و معلومات جدیدی به جای آنها مطرح می‌شوند. بر این اساس، نقدهایی که مکاتب جدید اقتصادی نسبت به مکاتب پیشین دارند، زمینه‌ساز کنار گذاشته شدن برخی از عقاید مکاتب قبلی شده است؛ برای نمونه، پس از تبیین کارکرد پول و نقش بی‌بدیل آن در تسهیل مبادلات، اندیشه اقتصاد تهاتری به فراموشی سپرده شد. همچنین، انتقادهایی که اقتصاددانان درباره نظریات یکدیگر مطرح می‌کنند، نوعی پیشرفت جایگزین به شمار می‌آید؛ برای مثال، انتقاد کینز به اندیشه‌های کلاسیک و نقدهای نئوکلاسیک به کینزین‌ها نمونه‌هایی از این نوع پیشرفت تلقی می‌شود.

۳. پیشرفت دوری

پیشرفت دوری بدین معناست که معلوماتی که از دایره بحث‌های علمی مربوطه خارج و سرانجام کهنه تلقی شده‌اند، دوباره تجدید حیات می‌یابند؛ زیرا سیر شناخت علوم به گونه‌ای است که همواره مسائل مشابهی را مطرح می‌کند و در نهایت امکان تحقیق درباره موضوعاتی فراهم می‌شود که مدت‌ها فراموش شده‌اند. در واقع، زمانی که نظریات جدید نتوانند پرسش‌های جدید آن علم را جواب دهند، زمینه حیات مجدد نظریات قدیم شکل می‌گیرد. از این رو، دانش اقتصاد متعارف در مسیر تکاملی خود از پیشرفت دوری نیز برخوردار بوده است؛ برای نمونه، اندیشه‌های اقتصادی دولت‌محور پس از ناکامی سوسیالیسم، جایگاهی در ادبیات اقتصادی نداشتند؛ ولی بحران‌های اقتصادی که در کشورهای سرمایه‌داری اتفاق می‌افتد، اندیشمندان اقتصادی را به بحث‌های اقتصاد سوسیالیسم متمایل می‌کند. همچنین، اقتصاددانان کاتولیک سطح شناخت‌ها و تجارب کلاسیک را مورد توجه قرار داده و تلاش می‌کنند تفسیرها و تبیین‌های محدودکننده اقتصاد سیاسی کلاسیک‌ها را اصلاح کنند.

نظام اقتصاد اجتماعی بازار نیز در آلمان به اصول قدیمی کلاسیک‌ها برگشت نموده و از آنها الهام گرفته است.^۱ بدیهی است که سیر تکاملی دانش اقتصاد در قالب سه‌گانه آن، زمینه‌ساز تحول در تعریف این دانش باشد که در بحث بعدی بررسی می‌شود.

۱. اوتمار و همکاران، تاریخ اندیشه‌ها و عقاید ده استاد، ص ۸۶.

۲. سیر تحول تعریف علم اقتصاد

پیدایش مسائل جدید اقتصادی و پیشرفت تدریجی آنها در طول زمان منشأ شکل‌گیری مکاتب مختلف نظری در اقتصاد متعارف شده و در نتیجه رویکردهای گوناگونی را در تعریف علم اقتصاد به دنبال داشته است.

در دوران باستان، نیازمندی‌های مصرفی خانوار و چگونگی تأمین آنها مهم‌ترین دغدغه مردم و اندیشمندان بوده است. در این دوران شرایط بسیار ابتدایی بر زندگی انسان‌ها حاکم بود و توجه دانشمندان به‌طور عمده بر حل مشکلات معیشتی نهاد خانواده در سطح رفع ضروریات اولیه زندگی تمرکز داشته؛ از این رو، اقتصاد به «علم تدبیر منزل» تعریف شده است. آشکار است که پیش از پیدایش پول و به‌کارگیری آن در روابط اقتصادی جامعه، مبادلات به صورت تهاتری بود. پس از پیدایش پول و سرعت جریان آن در معاملات بازار و کنار رفتن تدریجی مبادلات تهاتری، علم اقتصاد به «فعالیت‌های مربوط به معاملات و معادلات پولی» تعریف شده است^۱ و بر این اساس، نقش برجسته پول در تسهیل مبادلات، منشأ اصلی تخصیص مسائل دانش اقتصاد متعارف به موارد پولی بوده است.

در دوره ۱۵۰۰-۱۷۴۱، مرکانتیلیست‌ها مبادله و تجارت را عامل افزایش ثروت و فعالیت‌هایی همانند کشاورزی و صنعت را غیرمولد می‌دانستند. از این رو، علم اقتصاد را به «علم تجارت» تعریف کردند که وظیفه آن تبیین چگونگی تجارت داخلی و خارجی با استفاده از قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی است. این نوع اندیشه سوداگری در اواسط قرن هجده زمینه‌ساز ارتباط نزدیک بین اقتصاد و سیاست شد؛ به گونه‌ای که در این دوره اقتصاد به‌عنوان «اقتصاد سیاسی» توصیف شد.^{۲ و ۳}

در دوره ۱۳۴۱-۱۷۷۶، فیزیوکرات‌ها پیشرفت تکنولوژی و صنعت و بهره‌برداری از طبیعت را

۱. ساموئلسون، اقتصاد، ص ۵.

۲. ژید و ریست، تاریخ عقاید اقتصادی، ج ۱، ص ۱.

۳. در این دوره اقتصاد با نظام اجتماعی تولید و توزیع ثروت مرتبط و توزیع محصول مسئله اصلی آن را تشکیل می‌داد. از این رو، اندیشه اقتصادی به اقتصاد سیاسی توصیف شد. نکته قابل توجه این است که اصطلاح اقتصاد سیاسی که در دوران معاصر مطرح شد و یکی از گرایش‌های رشته اقتصاد به شمار می‌آید، غیر از عنوان اقتصاد سیاسی دوران سوداگران است. این عنوان در دوره اخیر ناظر به تأثیر روابط اقتصادی در ارتقاء روابط سیاسی کشورها می‌باشد.

مورد توجه قرار دادند و تمام فعالیت‌های اقتصادی را براساس حق طبیعی تفسیر و در نتیجه کشاورزی و معدن را که مصداق بارز طبیعت است، بخش اصلی و مولد اقتصاد جامعه معرفی می‌کردند. بی‌گمان تمرکز بر محوریت طبیعت در توسعه اقتصادی به‌طور طبیعی این اندیشه را به دنبال داشت که اقتصاد نحوه بهره‌برداری هرچه بیشتر از طبیعت را براساس قانونمندی‌های حاکم بر طبیعت برعهده دارد و به‌همین دلیل، علم اقتصاد از دیدگاه آنان این‌گونه تعریف شد: «علم تبیین نظم طبیعی». درواقع، تبیین نظم طبیعی، شناخت قوانین حاکم بر طبیعت را می‌طلبد و آنگاه که دانش اقتصاد این نوع شناخت را در قلمرو علمی خود قرار دهد، به‌طور طبیعی از جهت روش تحقیق در مسائل اقتصادی و روش‌شناسی اندیشه‌های علمی، مسیر علوم طبیعی را در پیش می‌گیرد.^۱ در دوران حاکمیت اندیشه کلاسیک بر اقتصاد، فقر، اساسی‌ترین مشکل جوامع سرمایه‌داری بود. طبقه کارگر از عقب‌ماندگی و کمبود امکانات این جوامع بیشتر از روابط ناعادلانه بین کارفرما و کارگر رنج می‌برد. از این‌رو، مطالعات اقتصادی در این دوره بر نحوه جمع‌آوری ثروت مادی و توسعه این جوامع متمرکز شد. بنابراین، آدام اسمیت (۱۷۲۳-۱۷۹۰) علم اقتصاد را چنین تعریف کرد: «علم بررسی ماهیت و علل ثروت ملل». اقتصاددانان دیگر کلاسیک نیز از اندیشه او تأثیر پذیرفته‌اند؛ برای مثال، ژان پاتیسوسی (۱۷۶۷-۱۸۳۲) اقتصاد را «علم تولید، توزیع و مصرف ثروت» و جان استوارت میل (۱۸۰۶-۱۸۷۳) آن را «علم بررسی ماهیت ثروت از طریق قوانین تولید و توزیع» تعریف کرده‌اند.^۲ براین‌اساس، اندیشه‌های علمی اقتصاد در این دوره بر عنصر کسب ثروت مادی تأکید دارد که یک مقوله طبیعی است.

در دوره نئوکلاسیک‌ها فعالیت‌های اقتصادی به‌عنوان یک مقوله طبیعی و محکوم قوانین تولید و توزیع ثروت تلقی نشد؛ بلکه این نوع فعالیت‌ها به‌عنوان رفتار اقتصادی انسان که عنصر انتخاب بر آن حاکم است، تفسیر شد. براین‌اساس، رفتاری بودن دانش اقتصاد در این دوره از ویژگی‌های مهم این مکتب به‌شمار می‌آید.

برای نمونه، آلفرد مارشال (۱۸۴۲-۱۹۲۴) علم اقتصاد را از یک‌سو مطالعه ثروت و از سوی دیگر بخشی از مطالعه فعالیت‌ها و رفتارهای اقتصادی انسان معرفی و تلاش کرده است که از

۱. آنیکین، تاریخ علم اقتصاد، ص ۴۸.

۲. همان، ص ۲۵۷.

این جهت تعریف جامع‌تری از اقتصاد ارائه دهد. به‌همین دلیل، دانش اقتصاد را چنین تعریف می‌کند: «اقتصاد مطالعه انسان است در کسب و کار معمولی‌اش در زندگی. اقتصاد به تحقیق در این جهت می‌پردازد که چگونه درآمدش را کسب و آن را مصرف می‌کند. بنابراین از یک جنبه مطالعه ثروت است و از زاویه دیگر بخشی از مطالعه خود انسان است».^۱

درواقع، انسان از جهت فردی و اجتماعی دارای نیازهای فراوانی است که همواره جهت تأمین آنها تلاش می‌کند. از سوی دیگر، کالاها و خدماتی که برای رفع این نیازها مورد استفاده قرار می‌گیرد دارای محدودیت نسبی است. از این‌رو، انسان برای هماهنگ کردن بین نیازهای نامحدود نسبی و منابع محدود نسبی باید از برخی خواسته‌های خود صرف‌نظر کند و دیگر نیازهای خود را بر آنها ترجیح دهد. این انتخاب و اولویت‌بندی در یک سازوکار عقلایی صورت می‌گیرد که علم اقتصاد به‌عنوان یکی از علوم اجتماعی به تبیین آن می‌پردازد و اقتصاددانان در تعاریف خود بر این نکته اصرار داشته‌اند. برهمن اساس، رفتاری بودن دانش اقتصاد در دوره‌های اخیر با عنوان انتخاب تبیین شده است؛ به‌گونه‌ای که این عصر کانون تعاریف جدید به شمار می‌آید؛ زیرا همچنان‌که اشاره شد، عنصر انتخاب، دو مقوله کمیابی نسبی منابع و نیازهای نامحدود نسبی را هماهنگ می‌کند.

براساس همین دیدگاه نسبت به نقش دانش اقتصاد، لیونل رابینز (۱۸۹۸-۱۹۸۵) آن را چنین تعریف می‌کند: «اقتصاد علمی است که رفتار انسان را در قالب ارتباط دادن بین اهداف (نیازهای فراوان) و ابزار (منابع و امکانات کمیاب) مورد مطالعه قرار می‌دهد که مصارف گوناگون و کاربردهایی رقیب دارند».^۲ این تعریف در دهه‌های اخیر مورد توجه تعدادی از اقتصاددانان مشهور قرار گرفته است. برای نمونه، رمون بار علم اقتصاد را چنین تعریف می‌کند: «علم مدیریت منابع کمیاب که شکل‌های رفتار انسانی را در آزمایش این منابع بررسی می‌کند».^۳ همچنین، ساموئلسون (متولد ۱۹۱۵) همان تعریف رابینز را با این عبارت، بیان کرده است: «علم اقتصاد عبارت از بررسی روش‌هایی است که بشر با وسیله یا بدون وسیله پول برای به کار بردن منابع کمیاب، به منظور تولید کالاها و خدمات در طی زمان و همچنین برای توزیع کالاها و خدمات

۱. محتشم دولتشاهی، مبانی علم اقتصاد، ص ۱۶.

2. Robbins, "The Nature and significance of Economic Sciences" in the Philosophy of Economics, p85.

۳. رمون بار، اقتصاد سیاسی، ج ۱، ص ۲۸.

بین افراد و گروه‌ها در جامعه به منظور مصرف در زمان حال یا آینده انتخاب می‌کند»^۱. در نتیجه‌گیری از مباحث، سیر تحول تعریف علم اقتصاد و نکات زیر قابل توجه است:

۱. واقعیت‌های عینی و مشکلات اقتصادی در هر برهه از زمان مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته و زمینه بازنگری آنان را در تعریف علم اقتصاد فراهم کرده است؛ زیرا این اندیشمندان برای حل مشکلات اقتصادی جامعه خود توان علمی خود را به کار می‌گرفتند و راهکار ارائه می‌کردند؛

۲. مسیر تحول در علم اقتصاد متعارف از نوع پیشرفت تراکمی است. در دوره‌های ابتدایی نگاه ساده و سطحی نسبت به مسائل اقتصادی جامعه موجب شده بود تعریف علم اقتصاد متناسب با همان نگاه ارائه شود و آنگاه که اندیشه‌های اقتصادی مسیر تکاملی خود را در پیش گرفت، تعریف علم اقتصاد هم دقیق‌تر و جامع‌تر بیان شد. پس از دوران اولیه، سوداگران بر تجارت و فیزیوکرات‌ها بر طبیعت و کلاسیک‌ها بر جمع‌آوری ثروت مادی تمرکز داشتند و متناسب با همان دیدگاه‌ها، تعریف علم اقتصاد را بازنگری کردند و در نگاه نئوکلاسیک‌ها رفتار اقتصادی انسان مورد توجه قرار گرفت و تعریف دانش اقتصاد نیز بر کانون «انتخاب» متمرکز شد؛

۳. در دهه‌های اخیر تعریف علم اقتصاد بر محور تعریف رابینز شکل گرفته است و تفاوت اساسی در آن دیده نمی‌شود؛ برای مثال تأکید بر عنصر انتخاب در تعریف علم اقتصاد تفاوت اصلی و ماهوی با تخصیص بهینه منابع کمیاب ندارد؛ زیرا تخصیص همان انتخاب به‌شمار می‌رود.

۳. قلمرو علم اقتصاد از جهت اثباتی و هنجاری (تحلیل اقتصاد اثباتی و هنجاری)

در ادبیات علمی اقتصاد قلمرو این دانش به دو عنوان «اثباتی» و «هنجاری» تقسیم شده است. در بخش «اثباتی» از مفاهیم دیگری همانند تحقیقی، تحصیلی، تحلیلی و توصیفی و در بخش «هنجاری» از عناوین ارزشی، دستوری، تشریحی و تجویزی نیز استفاده می‌شود. برای نمونه، عبارت «بین تغییرات قیمت و تغییر مواد غذایی مورد تقاضا رابطه معکوس وجود دارد» یک قضیه اثباتی است و عبارت «برای جلوگیری از کاهش سطح رفاه مصرف‌کنندگان کم‌درآمد، دولت باید با افزایش قیمت مواد غذایی مقابله کند» یک گزاره هنجاری است.

درباره قلمرو دانش اقتصاد از جهت اثباتی و هنجاری دو دیدگاه متفاوت وجود دارد: نخست هر یک از دو دیدگاه به‌طور فشرده بررسی و آنگاه نظر نهایی ارائه می‌شود.

۱. ساموئلسون، اقتصاد، ص ۶.

۱. دیدگاه اثباتی

این دیدگاه قلمرو اقتصاد را به دلیل اینکه این دانش، روابط علمی متغیرهای مستقل و تابع را بیان می‌کند، صرفاً اثباتی می‌داند. نظریه نئوکلاسیک با تکیه به روش اثبات‌گرایانه این است که قلمرو این دانش در انحصار گزاره‌های اثباتی است نه هنجاری.

سنیور (۱۷۹۰-۱۸۶۴) از نخستین اقتصاددانانی است که تمایز بین اقتصاد اثباتی و دستوری را در علم اقتصاد مطرح کرده است. وی تصریح می‌کند که «اقتصاددان نباید توصیه ارائه دهد؛ بلکه باید قوانین عام را شناسایی و آن را بیان کند».^۱ اقتصاددانان دیگری همانند رابینز، فریدمن، لپسپی، هاچسون و بوکانان بر این باورند که اقتصاد باید صرفاً گزاره‌های اثباتی را مورد پژوهش قرار دهد.^۲ براین اساس، اگر اقتصاددان دربارهٔ مطلوبیت توسعه عدالت‌محور اظهار نظر و آن را به دلیل کاهش فقر توصیه نماید، از وظیفهٔ اصلی خود فاصله گرفته است؛ زیرا وی فقط می‌تواند دربارهٔ رابطه توسعه اقتصادی عدالت‌محور با تخصیص بهینه منابع کمیاب و کارایی اقتصادی نظر بدهد که رابطه این دو متغیر با یکدیگر آیا مستقیم است یا معکوس. اگر اقتصاددان به این نتیجه برسد که توسعه عدالت‌محور کارایی و رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد، باید نظر علمی خود را اعلان نماید و هیچ‌گونه وظیفه دیگری ندارد؛ همچنان‌که اگر از جهت علمی اثبات کند که توسعهٔ عدالت‌محور در راستای کارایی و رشد اقتصادی است، باید این رابطه علمی دو متغیر را اعلان و غیر از آن وظیفه توصیه‌ای ندارد. در واقع، این دیدگاه، اقتصاددان را به مثابه پزشکی می‌داند که فقط وظیفه دارد که به بیمار خود اعلان کند این نوع دارو بیماری او را درمان می‌کند و بیش از این هیچ‌گونه وظیفه‌ای ندارد که توصیه کند که تأمین سلامتی او امری پسندیده و مطلوب است.

برهمن اساس، یکی از اقتصاددانان معاصر کشور تصریح می‌کند که اقتصاد هنجاری اهداف نهایی، فردی و اجتماعی را در حوزه اقتصاد مورد توجه قرار می‌دهد و اقتصاد اثباتی ابزار و وسایل لازم برای نیل به اهداف یادشده را مشخص می‌کند.^۳ این موضوع اقتضاء می‌کند که اقتصاددانان وظیفه تعیین و تشخیص احکام اقتصاد اثباتی را برعهده گیرند؛ درحالی‌که تعیین تکلیف احکام مربوط به اقتصاد دستوری وظیفه رهبران اخلاقی و سیاسی جامعه است.^۴

۱. کاتوزیان، ایدئولوژی و روش در اقتصاد، ص ۱۴۹.

۲. دادگر، درآمدی بر روش‌شناسی علم اقتصاد، ص ۱۹۹-۲۰۰.

۳. تمدن جهرمی، گفتارهایی در زمینه اقتصاد، علوم اجتماعی و شناخت روش علم، ص ۸.

۴. همان، ص ۹.

۲. دیدگاه ترکیبی

این دیدگاه بر این باور است که تمام گزاره‌های دانش اقتصاد در یکی از دو بخش اثباتی یا هنجاری قرار می‌گیرند. در این دیدگاه گزاره‌هایی که به تعبیر هنجاری (باید و نباید) بیان می‌شوند، از گزاره‌هایی که به صورت اثباتی (هست‌ها و نیست‌ها) ارائه می‌شوند، تفکیک‌ناپذیرند. به‌دیگرسخن، گزاره‌هایی که سیاست‌های اقتصادی را تجویز می‌نمایند از گزاره‌های اثباتی که روابط عینی پدیده‌های اقتصادی تفسیر می‌کنند، به‌مثابه دو روی یک سکه به‌شمار می‌روند؛ به عبارت دیگر، اختلاف درباره ماهیت اقتصاد متعارف از جهت اثباتی صرف یا ترکیبی از اثباتی و هنجاری، یک نزاع لفظی است؛ زیرا عبارت «بین افزایش حجم نقدینگی و افزایش تورم رابطه مستقیم وجود دارد» یک گزاره اثباتی است؛ درحالی‌که گزاره «برای کاهش تورم باید حجم نقدینگی را محدود کرد» با اینکه یک گزاره دستوری است، از جهت مدلول و مفاد تفاوتی با گزاره اثباتی مرتبط با آن ندارد. همچنین، گزاره «استقراض از بانک مرکزی موجب جبران کسری بودجه دولت می‌شود» هرچند گزاره اثباتی است، ولی همین گزاره را می‌توان به‌صورت دستوری بیان کرد و چنین تعبیر نمود: «برای جبران کسری بودجه دولت، باید از بانک مرکزی استقراض کرد». در مورد گزاره‌هایی که کارایی و تخصیص بهینه منابع در بخش عمومی را بررسی می‌کنند نیز می‌توان به‌صورت اثباتی یا دستوری بیان کرد؛ برای مثال، گزاره «وضع مالیات سنگین بر دستمزد کارگران باعث کاهش کارایی آنان می‌شود»، یک گزاره اثباتی است که می‌توان همان مفاد و مدلول را به‌صورت گزاره دستوری، همانند «برای کارایی کارگران نباید مالیات سنگین بر دستمزد آنان وضع کرد» بیان کرد.

برهمن اساس، یکی از اقتصاددانان معاصر که در زمینه روش‌شناسی اقتصاد، پژوهش نموده است، چنین می‌نویسد:

اقتصاد مشخصاً نه علمی اثباتی، یعنی توصیفی، که علمی است هنجاری، یعنی تجویزی. زمانی که آدام اسمیت تقسیم کار را می‌ستود منظورش (صریحاً) این بود که اگر بالا رفتن رفاه مادی هدف عمومی مطلوبی باشد، تقسیم کار کمکی است برای رسیدن به این هدف. وقتی می‌گفت: «هر انسان قانعی برای جامعه یک منبع خیر است» منظورش این بود که اگر رشد اقتصادی هدف اجتماعی مهمی باشد، صرفه‌جویی از طریق انباشت سرمایه، دستیابی به این هدف را آسان می‌سازد. نظریه نسبی ریکاردو بدین معناست که تجارت آزاد می‌خواهد یا می‌تواند بهزیستی مادی هر دو طرف تجارت را فزونی بخشد؛ یعنی اگر هدف این باشد، این روش آن است... همه اینها چه درست و چه نادرست نظریه‌هایی تجویزی‌اند. مراد از آنها این است که

بهترین روش دستیابی به اهداف خصوصی یا عمومی ای است که علی القاعده مطلوبند حتی نظریه‌های راجع به شرایط تعادل اقتصاد خرد و اقتصاد کلان و ثبات آنها، همین ماهیت تجویزی را دارند؛ زیرا با این فرض که چنین اهدافی مطلوب باشند، در پی تفحص در شرایطی اند که وضع بازارها روشن باشد و تولید کل در اشتغال کامل حاصل شود، رشد اقتصادی به روشنی یک هدف هنجاری است. نظریه‌های رشد اقتصادی می‌کوشند شرایطی کشف کنند که این هدف را بالا رفتن حد بهره‌برداری ناکامل از منابع، یا تورم قیمت‌ها و کسر بودجه بیرونی - که نیازهای اجتماعی دیگری به حساب می‌آیند - متحقق کنند...^۱

از این تحلیل دقیق از ماهیت مباحث علم اقتصاد متعارف می‌توان چنین نتیجه گرفت که به‌طورکلی مباحث این علم، دانشی تجویزی‌اند؛ ولی این واقعیت نه بدین معناست که اقتصاد رشته‌ای غیرعلمی است و نه بدین معناست که نظریه‌های اقتصادی بیان‌کننده عقیده شخصی‌اند؛ بلکه اقتصاد به‌عنوان علمی تجویزی می‌تواند راه‌حل‌های علمی برای مسائل و ناهنجاری‌های اقتصادی ارائه دهد. در واقع، برخی رشته‌های علمی همانند پزشکی، اقتصاد و... ماهیت تجویزی دارند.^۲

نکته قابل توجه این است که اقتصاد اثباتی را نمی‌توان به معنای عاری از ارزش و اقتصاد دستوری را به معنای اقتصاد ارزشی دانست. به دیگر تعبیر، اقتصاد به‌عنوان دانشی تجویزی متمایل به یک رشته اهداف اجتماعی است و به‌طور منطقی تخصیص منابع ملی در راستای این اهداف تعریف‌شده، انجام می‌پذیرد؛ مثلاً بهبود رفاه کل به‌عنوان یک هدف اساسی بدین معناست که این هدف با ارزش‌تر از دیگر اهداف هم‌سطح آن است. همچنان‌که استفاده کامل و کارا از منابع طبیعی یعنی حداقلی قابل قبول برای سطح زندگی شهروندان و یا توزیع عادلانه ثروت یعنی هدف پذیرفته‌شده، برای فعالیت‌های اقتصادی جامعه.

درواقع، نظریه اقتصادی، علمی است تجویزی برای تحقق اهداف اجتماعی - اقتصادی و این اهداف نه به‌صورت تصادفی تعیین می‌شوند و نه بدون انتخاب تعریف می‌شوند؛ بلکه براساس ارزش‌های پذیرفته‌شده در یک نظام، اولویت‌بندی شده، و هدفی بر هدف دیگر ترجیح داده می‌شود، و آنگاه اقتصاد اثباتی، ابزار و سازوکارهای لازم را برای رسیدن به اهداف مورد نظر مشخص می‌کند. افزون بر این، دانش اقتصاد یک علم رفتاری است و موضوع مطالعه آن

۱. کاتوزیان، ایدئولوژی و روش در اقتصاد، ص ۱۴۸-۱۴۹.

۲. همان، ص ۱۴۶.

مفهوم علم اقتصاد ۱۵

واقعیت‌هایی است از جنس رفتارهای ارادی انسان‌ها. از این‌رو اقتصاد اثباتی، روابط و واقعیت‌های اقتصادی را که از ارزش‌ها و عناصر فرهنگی، اجتماعی تأثیر می‌پذیرند، بررسی می‌کند و در نتیجه نمی‌توان قلمرو اقتصاد اثباتی و تجویزی را از ارزش‌های حاکم بر این قلمرو تفکیک کرد.

● خلاصه فصل

- تاریخ اندیشه و تفکر اقتصادی، ریشه در تاریخ حیات اجتماعی انسان در روی زمین دارد.
- دانش اقتصاد سه نوع پیشرفت را تجربه کرده است: پیشرفت تراکمی، جایگزینی، دوری.
- توجه اقتصاددانان به واقعیت‌های عینی و مشکلات اقتصادی هر برهه از زمان زمینه تعریف علم اقتصاد را فراهم کرده است.
- پس از دوران اولیه، سوداگران بر تجارت و فیزیوکرات‌ها بر طبیعت و کلاسیک‌ها بر جمع‌آوری ثروت مادی و نئوکلاسیک‌ها بر رفتار اقتصادی انسان تمرکز داشتند و متناسب با همان دیدگاه‌ها، علم اقتصاد را تعریف کرده‌اند.
- نمی‌توان قلمرو علم اقتصاد را به اقتصاد دستوری و اقتصاد اثباتی تفکیک کرد؛ زیرا دانش اقتصاد یک علم رفتاری است و موضوع مطالعه آن واقعیت‌هایی است از جنس رفتارهای ارادی انسان‌ها که از ارزش‌ها و عناصر فرهنگی، اجتماعی تأثیر می‌پذیرند.

● پرسش‌های فصل

۱. رشته علم اقتصاد در تکامل خود چه انواعی از پیشرفت را تجربه کرده است؟
۲. تمایز بین انواع پیشرفت دانش را بنویسید.
۳. تعریف فیزیوکرات‌ها و نئوکلاسیک‌ها از علم اقتصاد چیست و وجه تمایز آن کدام است؟
۴. آیا می‌توان قلمرو علم اقتصاد را به اقتصاد اثباتی و دستوری تقسیم کرد؟

● منابعی برای مطالعه بیشتر

- ✓ شیلا. سی. داو، کنکاشی در روش‌شناسی اقتصاد، ترجمه محمود متوسلی و علی رستمیان، تهران: جهاد دانشگاهی واحد تهران، ۱۳۸۸.
- ✓ کرمی، محمدحسین و عسکر دیرباز، مباحثی در فلسفه اقتصاد (علم اقتصاد و ارزش‌ها، انسان اقتصادی)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.